

دلایل تشبیه انسان به گیاه در قرآن با تأکید بر منابع تفسیری معاصر

فاطمه لگزیان^۱

چکیده

یکی از روش‌های بیانی مطرح در قرآن، تشبیه است که تصاویر برخاسته از آن، علاوه بر جلوه زیبایی، نقش معناآفرینی هم دارد و عدم درک این معانی، مُخل رسیدن به هدف هدایتگری قرآن است؛ یکی از تشبیهات زیبا در قرآن کریم، تشبیه انسان به گیاه از جهات مختلف و متعدد است که این پژوهش تلاش نموده آیات مربوط به تشبیه انسان را به گیاه را با توجه به تفاسیر معاصر همچون، المیزان، نمونه و نور مورد واکاوی و بررسی قرار دهد با توجه به نتایج حاصله بیانگر آنست که تشبیه در این مورد همچون دیگر تشبیهات قرآنی علاوه بر زیبایی کلام سبب درک مفاهیم والای آن گردیده است در تشبیهات انسان به گیاه می‌توان در دو جنبه زندگی مادی و معنوی صورت گرفته تا دلیلی هدایتگری و تربیتی باشد تا انسان با تفکر و تأمل وابسته این دیار فانی نگردد و غایت الهی را در نظر بگیرد و ره توشه دیار باقی وی نیز گردد.

کلمات کلیدی: تشبیه، انسان، گیاه، قرآن، تفسیر، معاصر

- مقدمه

از جمله فنون بلاغت در راستای تبیین و آشکارسازی اهداف و مقاصد کلام، تصویرگری در قالب تشبیه است و قرآن کریم برای به تصویر کشیدن بسیاری از معارف عمیق و دور از دسترس فهم متعارف انسان از این شیوه بهره فراوان برده است و یکی از ساده‌ترین و مؤثرترین روش‌های تربیتی نیز در قرآن است که از دیرباز مورد توجه دانشمندان و پژوهشگران اسلامی و قرآنی بوده است. این پژوهش بر آن است تا با ارائه نمونه‌هایی از این تصویرسازی‌های مربوط به تشبیه به گیاه گوشه‌ای از زیبایی و بلاغت بیان را در این منبع گرانسنگ به نمایش بگذارد و به بررسی آثار تربیتی تشبیه به گیاه در قرآن به عنوان یک ابزار قوی و اثرگذار و ماندگار در روح و روان و تعلیم و تربیت همه گروه سنی می‌تواند باشد از این رو آیات فراوانی در ارتباط با تشبیه انسان به گیاهان و مسائل مربوط وجود دارد که

^۱ فاطمه لگزیان، سطح ۲ (دوره عمومی، نیمه حضوری) قم مرکز آموزش های غیر حضوری

http://lagzianfateme@gmail.com^۹

حاکمی از اهمیت این موضوع می باشد. تمام گیاهانی که از زمین می رویند از هر نظر مهم و آیت روشنی از عظمت خداوند می باشند. طبیعت مظهر اموری است که به واسطه حواس پنج گانه قابل درک می باشد. تشبیه نیز فرایندی ادبی است که از آن برای آشکار نمودن معانی و مقاصد استفاده می شود. در قرآن کریم و فرمایشات حکیمانه پیامبر اعظم (ص) و ائمه اطهار: اسلوب تشبیه به کار رفته است. در بسیاری از این موارد مشبه به عناصر طبیعت از جمله گیاهان است. جنبه ی ادبی قرآن کریم از وجوه اعجاز آن به شمار می آید. صنعت تشبیه در القای حقایق و معارف مورد استفاده قرآن است که در این پژوهش قصد داریم به تبیین بخشی از این تشبیهات با بررسی تشبیه انسان به گیاه در این کتاب مقدس و جاودان پردازیم. در زمینه سابقه پژوهش، پژوهش های در راستای عنوان این پژوهش صورت گرفته که به دو مورد اکتفا می نماییم. محمدعلی زارع خورمیزی (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «بررسی تربیتی تشبیهات قرآنی با محوریت گیاه و انسان» نوشته اند و بیان داشتند: تشبیه در راستای تبیین و نمایانگری اهداف و مقاصد کلام و از جمله فنون بلاغت می باشد و قرآن کریم برای به تصویر کشیدن بسیاری از معارف عمیق و دور از دسترس فهم متعارف انسان از این شیوه بهره فراوان برده است و یکی از موثرترین روشهای تربیتی نیز در قرآن است که از گذشته مورد توجه دانشمندان و پژوهش گران اسلامی و قرآنی بوده است.

دشتی (۱۳۸۸) «تشبیه در قرآن: از اسلوبهای بیانی و بلاغی قرآن با کاربردی گسترده» عنوان پژوهشی است که به مفهوم شناسی تشبیه و اهمیت آن در قرآن می پردازد. با التفات بر اینکه از منابع فقهی اسلام، کتاب الله است و استنباط مسائل و مفاهیم متکی بر فهم آیات است و از جانبی دیگر توصیه ی قرآن بر یکایک افراد، فهم بر آیات اش می باشد و به سبب آن که تشبیه در قرآن معتنا به به کار رفته است؛ (دست کم) دو مقصود فوق با اشراف بر تشبیه و نسبت آن با قرآن حاصل می گردد.

این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با هدف بررسی « دلایل تشبیه انسان به گیاه در قرآن با تأکید بر منابع تفسیری معاصر » وبا پاسخ به این پرسش که مقصود و دلایل تشبیه انسان به گیاه و کارکرد آن در قرآن با تمرکز بر منابع تفسیری معاصر چیست؟

- مفهوم شناسی

تشبیه از ماده «ش - ب - ه»، چیزی را مثل و شبیه چیز دیگر قرار دادن است.^۲

^۲ لسان العرب، ج ۷، ص ۲۳

تشبیه از مصطلحات و مباحث علوم بلاغت است و در بلاغت متأخر (از سکاکی به بعد) در جای نخستین مبحث علم «بیان» قرار گرفته است.^۳ اسلوب تشبیه در کلام عربی کاربردی فراوان دارد؛ به گفته مبرد، این سخن بعید نیست که بیشتر کلام عرب برپایه تشبیه شکل گرفته است.^۴

تشبیه از اسلوب‌های بیان در هر زبانی از جمله عربی است که قرآن کریم نیز در جهت هماهنگی با زبان قوم برای بیان معارف و معانی و پیامهای خود فراوان از آن بهره گرفته است. مفسران اسلامی نیز از آغاز به این اسلوب بیانی و تحلیل آن توجه ویژه و جدی نشان داده‌اند. از طرح مباحث تشبیه و تحلیل و تبیین برخی تشبیهات قرآن در آثار جاحظ (م. ۲۵۰ق.) که بگذریم در قرن چهارم هجری و با رواج مباحث مربوط به اعجاز قرآن، برخی مفسران، تشبیهات قرآن را از مهم‌ترین محورهای اعجاز بلاغی آن معرفی کردند. . رمّانی (م. ۳۸۴ق.) بلاغت را از ابعاد اعجاز قرآن دانسته و در تشبیه لطافت‌ها و زیبایی‌هایی است که کلام را در نظر مخاطب دلپذیر و دلنشین کرده مخاطب را جهت پذیرش آن شیفته می‌سازد. با عنایت به مطالب یاد شده، این مقاله در صدد آن است تا گوشه‌ای از زیبایی‌های تشبیه انسان به گیاه را در قرآن و دلایل آن را تبیین کند، امید که گامی کوچک در ترویج معارف قرآنی بوده باشد.^۵

خداوند در چندین آیه از تشبیه انسان به گیاه سخن گفته است از جمله :

۱- تشبیهات زندگی مادی انسان به گیاه

۱-۱- تشبیه آفرینش انسان به رویش گیاه

خداوند متعال در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره نوح می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يُخْرِجُكُمْ أَخْرَاجًا»^۶ حضرت نوح علیه السلام خطاب به قومش می‌گوید: خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید» این سوره مبارکه درباره محاجّه حضرت نوح(علیه السلام) با دشمنان است، و بیان می‌کند که هرچه حضرت قوم خود را به توحید و یکتاپرستی

^۳ شرح‌المختصر، ج ۲، ص ۸؛ التبیان فی علم المعانی، ص ۱۸۰؛ جواهرالبلاغه، ص ۲۴۷

^۴ البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۴۶۷؛ الاتقان، ج ۲، ص ۹۰

^۵ دائرة المعارف قرآن کریم، جلد ۷، صفحه ۵۴۸

^۶ سوره نوح(۷۱) آیات ۱۷، ۱۸

دعوت کرد، آنها نپذیرفتند و ایمان نیاوردند، لذا برای اینکه آنها ایمان بیاورند حضرت نوح نعمتهای الهی را برایشان بازگو می کند تا شاید به خاطر این همه نعمت شاکر شوند و ایمان بیاورند، حضرت "نوح" در بیانات عمیق و مستدل خود در برابر مشرکان لجوج نخست دست آنها را گرفته و به اعماق وجودشان برد، تا آیات انفسی را مشاهده کنند، سپس همان گونه که آیات مورد بحث می گوید آنها را به مطالعه نشلنه های خدا در عالم بزرگ آفرینش دعوت کرده و آنان را به سیر آفاقی می برد و نخست از آسمان شروع کرده، می گوید: "آیا نمی دانید چگونه خداوند هفت آسمان را یکی بالای دیگری آفریده است؟! (أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا)، سپس می افزاید: "خداوند ماه را در میان آسمانهای هفتگانه مایه نور و روشنایی برای شما قرار داد، و خورشید را چراغ فروزانی" (وَ جَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا)، سپس بار دیگر به آفرینش انسان باز می گردد، و می افزاید: "خداوند شما را همچون گیاهی از زمین رویانید!" (وَ اللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا) تعبیر به "انبات" و رویانیدن، در مورد انسان، به خاطر آن است که: اولاً: آفرینش نخستین انسان از خاک است.

ثانیاً: تمام مواد غذایی که انسان می خورد و به کمک آن رشد و نمو می کند از زمین است، یا مستقیماً مانند سبزیها و دانه های غذایی و میوه ها، و یا به طور غیر مستقیم مانند گوشت حیوانات^۷ چون خلقت انسان بالأخره منتهی می شود به عناصر زمینی، و خلاصه همین عناصر زمین است که به طور خاصی ترکیب می شود، و به صورت مواد غذایی در می آید، و پدران و مادران آن را می خورند، و در مزاجشان نطفه می شود، و پس از نقل از پشت پدران به رحم مادران، و رشد در رحم که آن هم به وسیله همین مواد غذایی است، به صورت یک انسان در می آید و متولد می شود. حقیقت نبات هم همین است، پس جمله مورد بحث در مقام بیان یک حقیقت است، نه اینکه بخواهد تشبیه و استعاره ای را به کار ببرد.^۸

ثالثاً: شباهت زیادی در میان انسان و گیاه وجود دارد و بسیاری از قوانینی که حاکم بر تغذیه و تولید مثل و نمو و رشد گیاهان است بر انسان نیز حکمفرما است.

این تعبیر در مورد انسان بسیار پر معنی است و نشان می دهد که کار خداوند در مساله هدایت فقط کار یک معلم و استاد نیست، بلکه همچون کار یک باغبان است که بذرهای گیاهان را در

^۷ مکارم شیرازی، ج ۲۵، ص ۷۸

^۸ طباطبایی، ج ۲۰، ص ۵۰

محیط مساعد قرار می دهد تا استعدادهای نهفته آنها شکوفا گردد. در مورد حضرت مریم نیز در آیه ۳۷ آل عمران می خوانیم: وَ أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا خداوند به طرز شایسته ای گیاه وجود مریم را آفرید و پرورش داد»^۹

تشبیه رویش انسان از زمین مانند رویش گیاه به این معنی است که انسان طی مراحل گیاهوار آفریده شده است. گیاه، یعنی دانه ای که منجر به پیدایش گیاه می شود، در ابتدا عنصری بسیار ساده و در آب و خاک است، بنابراین موجود زنده ای هم که منجر به پیدایش انسان شده، در ابتدا می بایست عنصری ساده در آب و خاک بوده باشد. بر اساس شناخت امروزی ما از حیات اولیه، گیاه به تدریج جوانه می زند و شاخ و برگ می دهد، بنابراین آن عنصر حیاتی اولیه نیز به تدریج پیچیده تر و صاحب شاخ و برگ یعنی دست و پا و غیره شده است.^{۱۰}

فراوانی و تنوع گیاهان، امکان تبیین و آموزش مفاهیم و حقایق را برای همگان فراهم می سازد، زیرا همه انسان ها همواره با گیاهان در ارتباط اند و چگونگی رویش و زیست و مرگ آنها را می شناسند.

همچنین در تفاسیر با توجه به معنای لغوی کلمات مندرج در آیه مذکور چنین ذکر شده است: تعبیر به «انبات» و رویانیدن، در مورد انسان، بخاطر آن است که آفرینش نخستین انسان از خاک است، دوم این که، تمام مواد غذایی که انسان می خورد و به کمک آن رشد و نمو می کند از زمین است، یا مستقیماً مانند سبزیها و دانه های غذایی و میوه ها، و یا بطور غیر مستقیم مانند گوشت حیوانات، و سوم این که، شباهت زیادی در میان انسان و گیاه وجود دارد و بسیاری از قوانینی که حاکم بر تغذیه و تولیدمثل و نمو و رشد گیاهان است بر انسان نیز حکم فرماست^{۱۱}.

در همین تفسیر (تفسیر نمونه) می نویسد: این آیه ادامه بحث آیه قبل در باره سرگذشت مریم است، می فرماید: «پروردگارش او را به طرز نیکویی پذیرفت و بطور شایسته ای (گیاه وجود) او را رویانید و پرورش داد» (فَنَقَّبَلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا)^{۱۲}. جمله اخیر اشاره به نکته لطیفی دارد و آن اینکه کار خداوند، انبات و رویانیدن است یعنی همان

^۹ مکارم شیرازی: ج ۲۵، ص ۷۸

^{۱۰} غلامی، عجایب و شگفتی های قرآن کریم، ۹۰

^{۱۱} مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۸۰

^{۱۲} نوح (۷۱)، آیه ۱۶

گونه که در درون بذر گلها و گیاهان استعدادهایی نهفته است، در درون وجود آدمی و اعماق روح و فطرت او نیز همه گونه استعدادهای عالی نهفته شده است که اگر انسان خود را تحت تربیت مربیان الهی که باغبانهای باغستان جهان انسانیتند قرار دهد، به سرعت پرورش می‌یابد و آن استعدادهای خداداد آشکار می‌شود. در تفسیر نور از این آیه پیام‌های دریافت شده را فهرست وار ذکر می‌کند:

- هشدار به شکل سؤال، یکی از شیوه‌های تربیت است. ما لَكُمْ ...

- توجه به مراحل آفرینش، انسان را به عظمت خداوند متوجه می‌کند. «لَا تَرْجُونَ اللَّهَ وَقَارًا
وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا»

- حضرت نوح که هزاران سال قبل از حضرت عیسی و موسی بوده، مردم را به زیست‌شناسی و کیهان‌شناسی دعوت کرد. خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ... سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا

- شناخت طبیعت، راهی برای شناخت خداست. أَلَمْ تَرَوْا ...

- تمام هستی، کلاس توحید است. «خَلَقَكُمْ، خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ، جَعَلَ الْقَمَرَ، جَعَلَ
الشَّمْسَ، أَنْبَتَكُمْ، يُعِيدُكُمْ، يُحْرِجُكُمْ»^{۱۳}.

همچنین خداوند کریم در آیه ۳۷ سوره آل عمران می‌فرماید: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ
وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ
يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» «خداوند،
او [= مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت؛ و به طرز شایسته‌ای، (نهال وجود) او را رویانید (و
پرورش داد)؛ و کفالت او را به «زکریا» سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می‌شد، غذای
مخصوصی در آن جا می‌دید. از او پرسید: «ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟!» گفت: «این از
سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد». همسر عمران، مادر
حضرت مریم، باردار شد، نذر کرد که این فرزندش را در خدمت بیت المقدس قرار دهد؛ اما
وقتی وضع حمل کرد، بر خلاف انتظارش، مولود را دختر دید. مریم تحت نظر زکریای پیامبر
علیه السلام پرورش یافت و خداوند او را چون یک گیاه زیر نظر پیامبرش رشد و نمو داد. در
این آیه نیز سخن از تشبیه انسان به گیاه است.

^{۱۳} قرائتی، ج ۱۰ - صفحه ۲۳۵

تفسیر نور: انبتها: رویانید او را، ترکیب کرد او را «نبت الانسان نباتا: نما شبابه» ظاهرا «نبات» بمعنی مفعول و حال است یعنی: «انبتها منبوتا حسنا»^{۱۴}

همچنین در بطن آینه اشاره به نکته لطیفی دارد و آن اینکه کار خداوند، انبات و رویانیدن است یعنی همان گونه که در درون بذر گلها و گیاهان استعدادهایی نهفته است، در درون وجود آدمی و اعماق روح و فطرت او نیز همه گونه استعدادهای عالی نهفته شده است که اگر انسان خود را تحت تربیت مربیان الهی که باغبانهای باغستان جهان انسانیتند قرار دهد، به سرعت پرورش می یابد و آن استعدادهای خداداد آشکار می شود سپس می افزاید: «خداوند زکریا را سرپرست و کفیل او قرار داد» (وَ كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا)^{۱۵}.

در تفسیر المیزان در تفسیر این آیه چنین نقل شده است:

مراد از اینکه فرمود: او را به انباتی حسن رویانیدیم، این است که رشد و پاکیزگی به او و به ذریه او دادیم، و به او و به هر یک از ذریه و شاخه ای که از تنه درخت وجودی او می روید حیاتی افاضه کردیم که آمیخته با القاءات شیطان و پلیدی و تسویلات و وسوسه های او نباشد و خلاصه اینکه حیاتی طیب و طاهر به آنان افاضه می کنیم.

نکات تربیتی آیات مذکور، دقت در امر ازدواج است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «إِيَّاكُمْ وَ حَضْرَاءَ الدِّمَنِ، قِيلَ وَ مَا حَضْرَاءُ الدِّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْثَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السُّوءِ»^{۱۶} پرهیز کنید از گلهای دمن. از آن حضرت پرسیده شد که منظور از «حضرَاء الدمن» (دمن جمع دمنه به معنای مزبله و زباله دان است) چیست؟ حضرت فرمود: منظور از گلهای مزبله، زنان زیبایی هستند که در خانواده های آلوده ای پرورش یافته اند. در این فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز انسان به گیاه تشبیه شده است.

از سوی دیگر، این روایت برای جوانانی که در اندیشه تشکیل خانواده هستند، پیامی روشن و توصیه ای مهم در بردارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سفارش می کند، در انتخاب همسر تنها به زیبایی ظاهری نیندیشیم، بلکه به خانواده و محیط پرورشی اش نیز توجه کنیم؛

^{۱۴} قرائتی، ج ۱، ص ۵۰۵

^{۱۵} مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۸۱

^{۱۶} وسائل الشیعه، جلد ۱۴، باب ۷، حدیث ۷

زیرا زیبایی ظاهری برای مدتی کوتاه، ارضا کننده و یک «ارزش» است. پس از دوران کوتاه اولیّه ازدواج، معیارهای اصلی زندگی خانوادگی؛ یعنی تربیت، فرهنگ، اندیشه و ارزشهای کسب شده در خانه و خانواده است که مطرح می‌شود و خود را می‌نمایاند و اگر خدای ناکرده، همسر زیبا، سیرت و خوی و منش زیبا نداشته باشد محیط مقدّس خانه به جهنمی طاقت‌فرسا مبدّل می‌شود.^{۱۷}

۱-۲- تشبیه رشد انسان به رشد گیاه

از ظاهر آیه ۱۷ سوره نوح و نیز آیه ۳۷ سوره آل عمران برمی‌آید که انسان نیز خود نبات و گیاهی است که رشد و نمو دارد. خداوند در باره مادر حضرت مریم «س» می‌فرماید: «فَنَقَّبَلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ: پس پروردگارش، وی (مریم) را با حسن قبول پذیرا شد و او را گیاهی نیکو رو بآید و بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او خوراکی می‌یافت و می‌گفت: «ای مریم، این از کجا برای تو آمده است؟» و او در پاسخ می‌گفت: «این از جانب خداست که به هر کس بخواهد، بی شمار روزی می‌دهد»

شباهت بی نظیر انسان و گیاه که در این آیات بر آن تأکید شده، برای آن است که انسان‌ها بتوانند با مشاهده زندگی گیاهان، زندگی خود را تبیین و تفسیر کنند. به دیگر سخن، اگر انسان بداند که زندگی او همانند زندگی گیاهان است، می‌تواند درک درستی از زندگی خود به دست آورد. زندگی گیاه در دنیا کوتاه و ناپایدار است و زندگی انسان نیز چنین است.

دیگر آنکه گیاه دو باره با بارانی از خاک برمی‌آید و انسان نیز در رستاخیز، چون گیاه از زیر خاک سر برمی‌آورد و سرسبزتر از گذشته می‌روید. خداوند به صراحت در آیاتی چند ارتباط تنگاتنگ زندگی بشر و گیاه در موضوع رستاخیز را تبیین کرده است. از جمله می‌فرماید: «و اوست که بادها را پیشاپیش باران رحمتش مژده رسان می‌فرستد تا آنگاه که ابرهای گرانبار را بردارند، آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود آوریم و هرگونه میوه‌ای را از خاک برآوریم. بدین سان مردگان را نیز از قبرها خارج می‌سازیم، باشد که شما متذکر شوید.»^{۱۸}

^{۱۷} مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۸۱
^{۱۸} اعراف، آیه ۵۷.

همان گونه که خداوند با آب باران، زمین و گیاهان مرده را زنده می کند و به آنها جان می بخشد، انسان های مرده را نیز در رستاخیز زنده می کند و چون گیاه از خاک برمی انگیزاند. همین معنا نیز در آیه ۵ سوره ق بیان شده است. خداوند در این آیه می فرماید: «رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ». اینها همه برای روزی بندگان من است و با آن آب، سرزمین مرده‌ای را زنده گردانیدیم، رستاخیز نیز چنین است.»

خداوند، فصل بهار را زمان رستاخیز زمین می داند و در آیاتی از جمله ۹ تا ۱۱ سوره ق، آن را همانند رستاخیز انسان می شمارد. انسان می بایست از رستاخیز زمین عبرت گیرد و همان طور که تن و خنله را از غبار ایام می زداید و به پالایش آرایش ها می پردازد، جان و روان خویش را نیز از غبار کینه ها و زشتی ها بیالاید و خود را به خوبی ها و زیبایی ها بیاراید. از این رو تزکیه به معنای پاک سازی و خودسازی، یک برنامه اصلی در برنامه هدایتی وحی معرفی شده است و قرآن خواهان خانه تکانی و تخلیه برای تحلیه است و از انسان می خواهد زشتی ها را از تن و روان بزدايد و دمی در این کار سستی نرزد. پس باید دل را به برخی از خصوصیات و فضایل اخلاقی آراست، زشتی ها و رذایل را از خانه دل بیرون راند، برخی از خصلت ها را اصلاح و به آب محبت و مودت آبیاری کرد^{۱۹}.

۱-۳- تشبیه زوجیت انسان به گیاه

خداوند، یکتای مطلق در ذات و صفات است. نه شریکی دارد و نه یاور. بدون فرزند است و بی‌همتا. تنها اوست که نظام زوجیت را بر تمام اجناس، انواع و اصناف آفرینش و مخلوقات خود حاکم کرده تا هیچ کس و هیچ چیز در صفت وحدانیت و یکتایی با او شریک نباشد. این نظام زوجیت که ناشی از خواست و اراده خداست، به صورت یکنواخت و چشمگیر در ابعاد گوناگون هستی نظیر انسان، حیوانات، نباتات و هر چیزی که بهره‌ای از وجود دارد، عیناً مشاهده می‌شود. خداوند عز و جل در کتاب نورافشانش، وجود و کیفیت نظام حاکم بر هستی را برایمان روشن می‌سازد که در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

در آیه ۴۹ سوره ذاریات آمده است: «ما از هر چیز جفتی را آفریده‌ایم، تا اینکه شما (عظمت آفریدگار را) باور کنید». در آیه ۳ سوره رعد می‌فرماید: «و از هرگونه ثمر و میوه‌ای، جفت نر و ماده‌ای در آن آفریده است.» و در آیات ۴۵ و ۴۶ سوره نجم می‌خوانیم: «و اوست که جفت‌های نر و ماده را می‌آفریند از نطفه ناچیزی، بدان گاه که (به رحم) جهاننده می‌شوند»

^{۱۹} موسوی، گیاهان و میوه‌ها در قرآن، ۱۳۹۱.

در آیات ۳۶ تا ۳۹ سوره قیامت آمده است: «آیا انسان (منکر معاد) می‌پندارد که بیهوده به حال خود رها می‌شود و قوانین و مقررات الهی و حساب و کتاب و سزا و جزای دنیوی و اخروی ندارد؟ آیا او نطفه ناچیزی از منی نیست که به رحم مادر پرت می‌شود، سپس به صورت خون لخته در می‌آید؟ سپس او را آفرینش تازه‌ای می‌بخشیم و اندام او را نظم و نظام و سر و سامان می‌دهیم و از این انسان دو صنف نر و ماده را می‌سازیم و می‌پردازیم». در آیه ۳۶ سوره یس می‌فرماید: «تسبیح و تقدیس خداوندی را سزاست که همه نر و ماده‌ها را، اعم از آنچه از زمین می‌روید و از خود آنان و از چیزهایی که ایشان نمی‌دانند، آفریده است».

این مجموعه از نصوص قرآنی جملگی بر این حقیقت دلالت دارند که نظام زوجیت، نظامی کلی، یکپارچه و حاکم بر سراسر گیتی است. همین نتیجه به تنهایی از آیه ۴۹ سوره ذاریات نیز گرفته می‌شود. این نظام شگفت‌انگیز در انواع گونه‌های حیوانی، نباتی و درختی، بارهای مثبت و منفی برق و الکتریسیته، نیروی مغناطیسی جاذبه و دافعه و... برای همگان به‌خوبی قابل مشاهده است.^{۲۰}

زوجیت موجودات، به‌ویژه گیاهان یکی از مسائل مهمی است که قرآن کریم به آن اشاره و انسان‌ها را به تفکر و تأمل در نظام آفرینش دعوت کرده است. قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ: و از هر چیزی زوج آفریدیم، شاید یادآور شوید».^{۲۱}

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ: منزه است کسی که همه آن زوج‌ها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند «وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ»: و از هر نوع گیاه زیبا در آن رویاندیم.^{۲۲}

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسند: «این آیه تنزیه خدای تعالی را انشاء می‌کند، چون قبلاً متذکر شد که او را شکر نکردند برای خلقت انواع نباتات و رزق‌ها از حبوبات و میوه‌ها که از راه تزویج بعضی نباتات با بعضی دیگر خلق کرده است».^{۲۳}

این آیه اشاره می‌کند که مسئله تزویج دو چیز با هم و پدید آوردن چیز سوم، اختصاص به انسان و حیوان و نبات ندارد، بلکه همه موجودات را از این راه پدید می‌آورد و به‌طور کلی عالم

^{۲۰} حنّکه الميدانی، مشعل‌های فروزان در شناخت یزدان،

^{۲۱} سوره ذاریات (۵۱)، آیه ۴۹

^{۲۲} یس (۳۶)، آیه ۳۶

^{۲۳} طباطبایی، ج ۱۷، ص ۸۹

را از دو موجود فاعل و منفعل درست کرده و این دو به منزله نر و ماده در حیوان و انسان و نباتات‌اند. هر فاعلی با منفعل خود برخورد می‌کند و از برخورد آن دو، موجود سوومی پدید می‌آید.

جمله « مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ » با جمله بعدی در حکم بیان ازواج است. آنچه که زمین می‌رویاند، عبارت است از نباتات که ممکن است بگوییم شامل حیوانات نیز که یک نوع از آن آدمی است، می‌شود، چون اینها هم از مواد زمینی درست می‌شوند.

خدای تعالی در باره انسان که گفتیم نوعی از حیوانات است، فرموده: « وَ اللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا »: و خدا شما را همچون گیاه از زمین رویانید.^{۲۴}

می‌بینیم که قرآن، حیوان را در شمار ازواج نام نبرده، با اینکه زوج بودن حیوانات در نظر همه از زوج بودن نباتات روشن‌تر است. پس معلوم می‌شود منظور از « مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ » هر چه را که زمین از خود می‌رویاند، همه گیاهان، حیوانات و انسان‌هاست. « وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ » یعنی از خود مردم و « وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ »، یعنی از آنچه مردم نمی‌دانند و آن عبارت است از مخلوقاتی که هنوز انسان از کیفیت پیدایش آنها و یا زیاد شدن آنها اطلاع پیدا نکرده است.^{۲۵} آیت‌الله مکارم شیرازی در باره آیه شریفه: « سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ »؛^{۲۶} می‌نویسند: «در این که منظور از «ازواج» در اینجا چیست، مفسران نظرات گوناگونی دارند. آنچه مسلم است این است که واژه ازواج جمع زوج است و معمولاً به دو جنس مذکر و مؤنث گفته می‌شود، خواه در عالم حیوانات باشد یا غیر آنها. سپس این واژه، توسعه معنایی داده می‌شود و به هر دو موجودی که قرین یکدیگر و یا حتی ضد یکدیگر باشند «زوج» اطلاق می‌شود. حتی به دو اتاق مشابه در یک خانه یا دو لنگه در و یا دو همکار و قرین، این کلمه گفته می‌شود. به این ترتیب برای هر موجودی در جهان زوجی متصور است.

^{۲۴} سوره نوح (۷۱)، آیه ۱۷۵

^{۲۵} طباطبایی، ج ۱۷، ص ۸۹

^{۲۶} سوره یس (۳۶)، آیه ۳۶

به هر حال می‌توان گفت که بعید نیست که پدیده زوجیت در اینجا به همان معنی خاص آن یعنی جنس مذکر و مؤنث باشد. قرآن مجید نیز در این آیه خبر از وجود زوجیت در تمام جهان گیاهان و انسان‌ها و موجودات دیگری که مردم از آن اطلاعی ندارند می‌دهد»^{۲۷}

این موجودات که از آنها به ازواج تعبیر شده، ممکن است گیاهان باشند. می‌دانیم در آن روز دانش گیاه‌شناسی و گیاه پزشکی هنوز ایجاد و وسعت دایره زوجیت هنوز کشف نشده بود و این علوم، دانش‌های نوپایی هستند. و یا شاید اشارتی است به حیوانات اعماق دریاها و اقیانوس‌ها که در آن روز کسی از آنها آگاه نبود و امروز گوشه‌ای از آن برای انسان‌ها کشف شده است. یا اشاره به موجودات دیگری که در کرات دیگر زندگی می‌کنند که دانش امروز در تلاش است معمای حیات در آن مکان‌ها را کشف کند. یا موجودات زنده ذره‌بینی و حتی میکروسکوپی که دانشمندان امروز، نر و ماده‌ای در آنها سراغ ندارند، ولی دنیای این موجودات زنده به قدری پوشیده از معماست که ممکن است دانش انسان‌ها هنوز به این قسمت از آن راه نیافته باشد. حتی وجود زوجیت در جهان گیاهان نیز در عصر نزول قرآن، جز در موارد خاصی مانند درختان نخل و امثال آن ناشناخته بود و قرآن بود که از آن پرده برداشت.

در سده‌های اخیر این موضوع با روش‌های علمی به اثبات رسیده که پدیده زوجیت در عالم گیاهان، عمومی و همگانی است. این احتمال نیز وجود دارد که مقصود از زوجیت مورد اشاره در اینجا، وجود ذرات مثبت و منفی در دل تمام اتم‌ها باشد، زیرا می‌دانیم همه اشیای این جهان از اتم تشکیل شده‌اند و اتم همچون آجر برای ساختمان عظیم عالم ماده است. تا آن روز که اتم شکافته نشده بود، خبری از وجود این زوجیت نبود، ولی بعد از آن، وجود زوج‌های منفی و مثبت در هسته اتم و الکترون‌هایی که به دور آن می‌گردند، به اثبات رسید.

بعضی آن را اشاره به ترکیب اشیا از ماده و صورت یا جوهر و عرض دانسته‌اند و بعضی دیگر کنایه از اصناف و انواع مختلف گیاهان، انسان‌ها، حیوانات و سایر موجودات عالم شمرده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت که این آیه محدود بودن علم انسان را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که حقایق بسیاری در این جهان هست که بر ما پوشیده است.^{۲۸}

همچنین میوه‌ها موجودات زنده و دارای نطفه‌های نر و ماده‌ای هستند که از طریق تلقیح، بارور می‌شوند. اگر «لینه» دانشمند و گیاه‌شناس معروف سوئدی در اواسط قرن ۱۸م موفق به کشف این مسئله شد که زوجیت در جهان گیاهان تقریباً یک قانون عمومی و همگانی

^{۲۷} مکارم شیرازی، ج ۱۸، ص ۳۷۸

^{۲۸} حطیط، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، صص ۱۳۸-۱۳۷

است و گیاهان نیز همچون حیوانات از طریق آمیزش نطفه نر و ماده، بارور می‌شوند و میوه می‌دهند، قرآن مجید در ۱۱۰۰ سال قبل از آن، این حقیقت را فاش ساخت و این خود یکی از معجزات علمی قرآن مجید و بیانگر عظمت این کتاب بزرگ آسمانی است. در قرآن مجید آیات فراوانی هستند که پرده از روی یک سلسله اسرار علمی که در آن زمان از چشم دانشمندان پنهان بودند، برداشته‌اند که این خود نشانه‌ای از اعجاز و عظمت قرآن است و محققانی که در باره اعجاز قرآن بحث کرده‌اند، غالباً به قسمتی از این آیات اشاره نموده‌اند.

این موضوع در سوره لقمان آیه ۱۰ نیز آمده است: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» و از آسمان آبی فرو فرستادیم و (انواع گیاهان) از هر جفت ارجمندی در آن (زمین) رویاندیم»^{۲۹}

غیر از آیات ذکر شده، در آیات متعدد دیگری نیز به زوجیت میوه‌ها و گیاهان و انسان‌ها اشاره شده است، مانند سوره حج، آیه ۵؛ سوره لقمان، آیه ۱۰؛ سوره ق، آیه ۷؛ سوره طه، آیه ۵۳ و سوره اعراف، آیه ۱۸۹.^{۳۰}

گیاه‌شناسان و پژوهشگران گل و نبات در مورد نظام زوجیت موجود در جهان گیاهان و نباتات، ضمن تأیید آن به توضیح و تبیین ویژگی‌های این نظام و راه‌های تلقیح و باروری نباتات در آن پرداخته‌اند و اظهار می‌دارند: «برخی از این تلقیح و باروری‌ها از راه بادهایی صورت می‌گیرند که مواد و عناصر تلقیح‌شونده جنس نر را با خود حمل و به جنس ماده منتقل می‌کنند. برخی از این باروری‌ها از راه حشرات صورت می‌گیرد، بدین‌گونه که حشرات با نشستن روی گل‌های رنگارنگ و خوشبو، مواد و عناصر موجود در گیاهان نر (مذکر) را به کمک پاها، بال‌ها و بدن ظریف‌شان حمل و به گیاهان ماده (مؤنث) منتقل می‌سازند. برخی از این تلقیحات نیز خود به خود در اندرون گیاه صورت می‌پذیرد»^{۳۱}.

۲- تشبیهات زندگی معنوی انسان به گیاه

^{۲۹} مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ۱۲۰

^{۳۰} رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، صص ۲۷۷-۲۸۲

^{۳۱} حبّته الميدانی، عبدالرحمن، مشعل‌های فروزان در شناخت یزدان، مترجم، محمد سلیمانی، چاپ اول، تهران: ناشر احسان ۱۳۹۲، ص ۷۸

۲-۱- - تشبیه زندگی انسان به گیاه و عبرت گرفتن از آن

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا^{۳۲}» و برای امت، زندگانی دنیا را چنین مثل زن که ما آب بارانی از آسمان نازل کنیم و به آن آب، درختان و نباتات گوناگون زمین درهم پیچیده و خرم بروید، سپس همه درهم شکسته و خشک شود و به دست بادهای زیر و زبر و پراکنده گردد، و خدا بر هر چیز اقتدار کامل دارد»

قرآن در ضمن یک مثال بسیار زنده و گویا این صحنه را کاملاً مجسم می‌کند، تا غافلان مغرور با مشاهده آن- که در عمرشان بارها و بارها تکرار شده و می‌شود- از این غرور و غفلت بیدار شوند، می‌گویند: ای پیامبر! «زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم» (وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ) این قطره‌های حیات بخش بر کوه و صحرا می‌ریزد «و به وسیله آن گیاهان زمین (سر سبز می‌شود و) در هم فرو می‌رود» (فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ) پوست سخت و پر مقاومت دانه در برابر نرمش باران نرم می‌شود، و به جوانه گیاه اجازه عبور می‌دهد، سر انجام جوانه نورس از دل خاک سر بر می‌دارد. آفتاب می‌درخشد نسیم می‌وزد، مواد غذایی زمین کمک می‌کند، و این جوانه نورس با نیرو گرفتن از همه این عوامل حیات به رشد و نمو خود ادامه می‌دهند آن چنانکه بعد از مدت کوتاهی گیاهان زمین سر بر سر هم می‌گذارند و در هم فرو می‌روند. صفحه کوه و صحرا یک پارچه جنبش و حیات می‌شود، شکوفه‌ها و گلها و میوه‌ها یکی بعد از دیگری زینت بخش شاخه‌ها می‌شوند، گویی همه می‌خندند، فریاد شادی می‌کشند، به وجد و رقص در آمده‌اند. ولی این صحنه دل‌انگیز دیری نمی‌پاید، بادهای خزان شروع می‌شود و گرد و غبار مرگ بر سر آنها می‌پاشد هوا به سردی می‌گراید، آبها کم می‌شود «و بعد از مدتی (آن گیاه خرم و سرسبز) می‌خشکد» (فَأَصْبَحَ هَشِيمًا). آن برگهایی که در فصل بهار آن چنان شاخه‌ها را چسبیده بودند که قدرت هیچ توفانی نمی‌توانست آنها را جدا کند آن قدر سست و بی‌جان می‌شوند که «بادهای آن را به هر سو پراکنده می‌کند» (تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ). «آری خداوند بر هر چیزی توانا بوده و هست» (وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا)^{۳۳}.

^{۳۲}سوره کهف(۱۸)آیه ۴۵

^{۳۳}مکارم شیرازی، ج ۳ ص ۴۶

در تفسیر المیزان چنین بیان شده: کلمه هشیم که بر وزن فعیل است، به معنای مهشوم بر وزن مفعول است، و به طوری که راغب گفته به معنای شکسته شدن چیزهای سست و بی دوام از قبیل گیاهان است. و کلمه تذروه از ذراء به معنای تفریق و جدا کردن است. بعضی گفته اند: به معنای آوردن و بردن است (مانند گیاه شکسته و خشکی که بادهای از این طرف به آن طرفش می برند)

و اگر فرمود: فاختلط به نبات الارض - پس گیاه زمین با آن مختلط شد و نفرمود: فاختلط نبات الارض - با گیاه زمین مختلط شد برای اشاره به این نکته است که در تکوین گیاهان آب از سایر عناصر بیشتر است، و اگر با آب آسمان سایر آنها یعنی آب چشمه - سارها و نهرها را ذکر نکرد بدین جهت است که مبداء هر آب دیگری همان آب آسمان است. و کلمه اصبح در آیه شریفه به طوری که گفته اند به معنای صار - شد می باشد، نه اینکه بخواهد خبری را که داده مقید به هنگام صبح کند.

و معنای آیه این است که: برای این فرو رفتگان در زینت حیات دنیا و روی گردننان از یاد پروردگار خود زندگی دنیا را به آبی مثل بزن که ما از آسمان نازلش کردیم و گیاهان زمین با این باران مختلط گشته سبز و خرم گردید و طراوت و بهجت یافت و به زیباترین شکلی نمودار گشت، سپس هشیمی (گیاه خشکی) شکسته شد که بادهای شاخه های آن را از هم جدا نموده به این سو و آن سو می برد، و خدا بر هر چیزی مقتدر است.^{۳۴}

—۲-۲- تشبیه مؤمن به درخت سبز

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: (وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا كَمَا آتَىٰ كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا)؛ و برای آنان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم؛ سپس گیاه زمین با آن در آمیخت و [چنان] خشک گردید که بادهای پراکنده اش کردند، و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست. در این تشبیه نیز مفاهیم محیط زیستی به کار رفته است. آب، آسمان، گیاهان تازه و خشک، زمین و باد از مظاهر عالم طبیعت است. خداوند در این آیه زندگی دنیوی را به آب تشبیه نموده، آبی که وصف آشکار آن تازگی و طراوت است. سپس تغییر و از بین رفتن این طراوت را به گیاهی تشبیه کرده است که از آب سبز می شود و رفته رفته خشک می گردد و باد آن ها را به هر سو می پراکند؛ گویی هیچ چیز نبوده است. درخت همیشه سبز؛ رسول خدا (ص) فرمود: الْمُؤْمِنُ كَمِثْلِ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَاتُّ

^{۳۴} طباطبایی، ج: ۱۳، ص: ۴۰۵

وَرَقَّهَا فِي شِتَاءٍ وَلَا صَيْفٍ. قالوا يا رسول الله وما هي؟ قال (ص): النَّخْلُ؛ مؤمن همانند درختی است که برگ هایش در زمستان و تابستان نمی ریزد. عرض شد: آن درخت چیست؟ فرمود: درخت خرم. پوشش سبز محیط زیست که از گیاهان و درختان و درختچه ها پدید می آید از زیباترین مناظر طبیعی است؛ از آن جا که سبزی گیاه، نشانه ی حیات و زندگی است؛ انسان ها با دیدن مناظر سبز طبیعت احساس حیات می کنند؛ همچنان که از پاییز و برگ ریزان درختان ناخوشند، اما آن دسته از درختان که در همه فصول سال سبزند و محیط زیست را طراوت می بخشند، توجه همگان را به خود جلب می کنند. در این روایت پیامبر اسلام (ص) مؤمن را که از سبزی و حیات معنوی و ایمانی برخوردار است و مایه بهجت و حیات طیبه می گردد، به درخت همیشه سبز چون خرما تشبیه فرموده است. درختان متنوع؛ حضرت علی (ع) فرمود: النَّاسُ كَالشَّجَرِ شَرَابُهُ وَاحِدٌ وَ ثَمَرُهُ مُخْتَلِفٌ؛ انسان ها همچون درختانند که از یک آب آبیاری می شوند، اما میوه هایشان گوناگون است. محیط زیست دارای گونه های درختان است. ثمره ی برخی در چوب و برگ آن ها و از برخی دیگر میوه های غیر خوراکی، یا انواع متنوع و متفاوت خوراکی است؛ در حالی که همه آن ها از یک آب تغذیه می شوند. آنچه مایه گوناگونی درختان شده، طبیعت آن ها است. طبع انسان نیز به درخت تشبیه گردیده است و سبب تفاوت و گوناگونی انسان و رفتار او شخصیت درونی وی می باشد.

۲-۳- تشبیه رسول و اصحاب او به خوشه گندم

تشبیه رسول و اصحاب او به خوشه گندم که جوانه بر می آورد. در سوره فتح ذکر شده است که:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَعْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا^{۳۵} «محمد

فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند، پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی، آنها همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند، نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است، این توصیف آنها در تورات است، و توصیف آنها در انجیل همانند زراعتی است که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته، تا محکم شده، و بر پای خود ایستاده است، و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد! این برای آن است که کافران را به خشم آورد، خداوند

^{۳۵} سوره فتح (۴۸)، آیه ۲۹

کسانی از آنها را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

خوشه گندم در فرهنگ عرب شناخته شده است. این در حالی است که زرع در تمام جزیره العرب وجود ندارد و تنها در برخی مناطق یافت می شود. در اینجا زرع را آورده، از آن جهت که زرع، ماده نان است و نان، پایه و ستون زندگی است و پیامبر و مؤمنان همراه با ایشان نیز عمود و ستون اسلام هستند.^{۳۶}

قرانتی تشبیه جامعه انسانی به مزرعه کشاورزی، قابل دقت است زیرا :

الف. کشت، از درون زمین است، عقیده نیز از درون انسان است .

ب. کشت، در محیط مناسب رشد می کند، جامعه اسلامی هم نیاز به زمینه های مناسب دارد .

ج. کشت، دارای رشد طبیعی و تدریجی و اصیل و ثابت است، رشد امت اسلامی نیز مراحل و ثبوت و اصالت دارد . (قرائتی، تفسیر نور، جلد ۹ - ص ۱۴۸)

در تفسیر نمونه نیز از رشد و نمو انسانها با تشبیه به گیاهان سخن می گوید و در نهایت چنین بیان می کند که: در حقیقت اوصافی که در تورات برای آنها ذکر شده اوصافی است که ابعاد وجود آنها را از نظر عواطف و اهداف و اعمال و صورت ظاهر بیان می کند و اما اوصافی که در انجیل آمده بیانگر حرکت و نمو و رشد آنها در جنبه های مختلف است- دقت کنید . انسانهایی هستند با صفات والا که آنی از «حرکت» باز نمی ایستند . همواره اسلام را با گفتار و اعمال خود در جهان نشر می دهند و روز به روز خیل تازه ای بر جامعه اسلامی می افزایند. (مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۴۸۹).

۲-۴- تشبیه انفاق مؤمن به باغ

تشبیه انفاق مؤمن به باغی که رگباری به آن برسد. «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَنْبِيئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْهَا أَكْثَرُ أَعْيُنٍ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^{۳۷} «و مثل آنان که مالشان را در راه خشنودی خدا انفاق کنند و با کمال اطمینان خاطر، دل به لطف خدا شاد دارند مثل بوستانی است که

^{۳۶} طباطبایی، ج ۲۸، ص ۲۰۶

^{۳۷} سوره بقره (۲) / آیه ۲۶۵

در زمین بلندی باشد و بر آن باران زیادی به موقع ببارد و حاصلی دو چندان (که منتظرند) دهد، و اگر باران زیاد نیاید، اندک بارد (تا باز به ثمر رسد)، و خدا (به کار شما) بیناست.»

وقتی باغی در بالای بلندی باشد و باران به آن بزند، میوه های آن دو برابر می شود و حتی اگر شبنم هم به آن بخورد، باز میوه می دهد. انسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کند، همین گونه است: با این انفاق، ایمان او افزایش می یابد، خواه انفاق او کم باشد یا زیاد.^{۳۸}

از پیام های دریافتی این آیه با توجه به تشبیه آن قرائتی می نویسد: کارهای خالص، همچون مزرعه ای در نقطه ای مرتفع است که از خرابی سیل محفوظ است. «بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا» - اگر هدف خدا باشد، از جلوه ها و جمال ها هم محروم نمی شویم. مخلصین در جامعه محبوب تر از ریاکارانند. «جَنَّةٍ بَرِّيَّةٍ» انفاق خالص، همانند مزرعه ای در دامنه کوه و زمین مرتفع است، که همه مردم آنرا می بینند و از آن لذت می برند. مهم تر از امکانات، بهره گیری از امکانات است. باران ریز یا درشت مهم نیست، مهم آن است که زمین بتواند آن را جذب کند. «فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ»^{۳۹}

۲-۵- تشبیه انفاق ریاکار به باغ آتش گرفته

تشبیه انفاق ریاکار به باغی که گردبادی آتشین به آن بزند در سوره بقره ذکر شده: «أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضَعْفَاءٌ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ».^{۴۰} «آیا هیچ یک از شما خواهد که او را باغی باشد از درخت خرما و انگور و زیر آن درختان جویهای روان، و در آن هرگونه میوه موجود باشد، آن گاه ضعف و پیری بدو فرا رسد و او را فرزندان خرد و ناتوان باشد، پس در باغ او بادی آتشبار افتد و همه بسوزد؟ (حال کسی که به ریا انفاق کند بدین ماند). خداوند آیات خود را برای شما این چنین روشن بیان کند، باشد که (در مآل کارها و حقیقت احوال) فکر کنید.»

پیام هایی که از این آیه دریافت می شود می توان به تفسیر نمونه اشاره نمود که: ودت را به جای دیگران بگذار تا مسائل را خوب درک کنی. «أَيُّودُ أَحَدِكُمْ»

^{۳۸} طباطبایی، ج ۵: ص ۱۵۱

^{۳۹} قرائتی، ج ۱ - صفحه ۴۲۲.

^{۴۰} سوره بقره (۲)/آیه ۲۶۶

-از مثال‌های طبیعی که زمان و مکان و عصر و نسل در آن اثر نمی‌گذارد، استفاده کنیم. «جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَ» - مَنَّتْ و آزار بعد از انفاق، همچون باد سوزانی است بر باغی سرسبز، و آتشی بر بوستانی حَرَم. «فَاحْتَرَقَتْ» رشد یافتن، تدریجی است، ولی تخریب و حبط عمل در یک لحظه است. «فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ» - مثال‌های قرآن، برای فکر کردن است. «لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»^{۴۱}

کسی که مال خود را در راه غیر خدا انفاق می‌کند، مانند این است که گیاهی می‌روید و بعد، آن را آفت می‌زند یا باد آن را از جا در می‌آورد یا حشرات آن را از بین می‌برند و کسانی که آن دانه‌ها را کاشته بودند، حسرت زده می‌شوند. کسی هم که مال خود را در راه غیر خدا انفاق کند، در روز حساب تنها حسرت و درد برای او باقی می‌ماند. روشن است که امثال و تشبیهاتی که پیرامون انفاق کنندگان فی سبیل الله و غیر سبیل الله آمده است، همه منطبق با صورتهای تشبیهی است که در فرهنگ عرب هست. گیاه و درخت قبل از هر چیزی، از امور محسوسی است که عرب آن را می‌شناخت. همان گونه که در موارد یاد شده بالا، دیده می‌شود، انسان به گیاه تشبیه شده است. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که در آیه انفاق هم انسان، یعنی شخص انفاق کننده، به دانه پربرکت گیاهی تشبیه شده است. در نتیجه مفهوم و پیام آیه مزبور چنین است که: ای انسان! تو همانند گیاهی و انفاق بسان آبی است که گیاه بدان زنده می‌ماند و رشد می‌کند. به بیان دیگر انفاق در وجود تو صفات عالی انسانی، بخشش، سخاوت، مروت، انصاف، شجاعت و ... را زنده می‌سازد.

۲-۶- تشبیه کافران معذب به ریشه های نخل

تشبیه کافران معذب به ریشه های نخلی که از خاک بیرون آمده است. «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ / تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ»^{۴۲} «ما بر هلاک آنها تند بادی در روز نحسی پایدار فرستادیم. که آن باد مردم را از جا بر می‌کند چنانکه ساق درخت خرما از ریشه افکنند.»

در این آیه، منافقان را در اینکه مانند مرده با هیكل های بزرگ و قدهای طولانی روی زمین می‌افتند، به ریشه های درختان نخل تشبیه کرده که از درون خاک بیرون آمده است. تصویر

^{۴۱} قرآنی، ج ۱ ص ۴۲۴

^{۴۲} سوره قمر (۵۴) آیه ۲۰-۱۹

ریشه های از خاک بیرون آمده نخلها که روی زمین افتاده، تصویری معروف در فرهنگ عرب است؛ چرا که در آنجا بسیار چنین چیزی اتفاق می افتاد.^{۴۳}

در تفسیر نمونه نیز آمده که «اعجاز» جمع «عجز» به معنی قسمت عقب یا پائین چیزی است، و تشبیه آنها به قسمت پائین نخلها به خاطر آن است که به گفته بعضی باد به قدری شدید بود که نخست دست و سرهای آنها را کند و با خود برد، و بعد بقیه بدنهایشان همچون نخل بی شاخ و برگ، از زمین کنده شده به هر گوشه و کنار پراکنده می گشت.^{۴۴}

۲-۷- گیاه نماد زندگی و حیات

«اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ»^{۴۵} « بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه ای است طفلانه و لهو و عیاشی و زیب و آرایش و تفاخر و خودستایی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان. در مثل مانند بارانی است که گیاهی در پی آن از زمین بروید که برزگران (یا کفار دنیاپرست) را به شگفت آورد و سپس بنگری که زرد و خشک شود و بیوسد. و در عالم آخرت (دنیا طلبان را) عذاب سخت جهنم و (مؤمنان را) آمرزش و خشنودی حق نصیب است. و باری، بدانید که زندگانی دنیا جز متاع فریب و غرور چیزی نیست.» در این آیه توجه به زندگی انسان و گیاه و نسبت با یکدیگر آمده است تا انسان متوجه شود که همانند گیاه رشد و نمو دارد.

قرائتی درباره واژه کفار می نویسد: «کفار» در اینجا به معنای کشاورزان است نه افراد بی ایمان، زیرا در اصل از «کفر» به معنای پوشاندن است و به کشاورز چون بذر افشانی کرده و آن را زیر خاک می پوشاند، کافر و کفار نام گرفته است. «یَهِيحُ» از هیجان به دو معنا آمده است: خشکیدن گیاه، جوش و خروش. «حطام» به معنای گیاهی است که از شدت خشکیدگی می شکند، مثل کاه.^{۴۶}

^{۴۳} طباطبایی، ج ۵: ص ۱۶۳

^{۴۴} مکارم شیرازی، ج ۱۰ ص ۴۴۲

^{۴۵} سوره حدید (۵۲) آیه ۲۰

^{۴۶} قرائتی، تفسیر نور، ج ۹ ص ۴۷۷

گیاه را می‌توان نماد زندگی و حیات دانست، این آیه به دوران مختلف زندگی انسان (کودکی و نوجوانی، جوانی و بزرگسالی) اشاره داشته از این رو در نوروز بر سر هر سفره هفت سینی، سبزه به عنوان نماد زندگی قرار می‌گیرد. زندگی گیاه و سبزه نشانه‌ای از ناپایداری حیات نیز هستند که هر انسان خردمندی بدان توجه و در آن تدبیر و تفکر می‌کند. بسیاری از گیاهان چند هفته یا چند ماه بیشتر، از سبزی و طراوت و زندگی بهره‌ای نمی‌برند. در حقیقت خداوند، زندگی کوتاه و ناپایدار گیاه را نشانه قرار داده است تا کم‌ارزشی و غیراصیل بودن زندگی دنیا را به انسان بفهماند و نیز حقیقت رستاخیز و زندگی جاودان و ابدی را برای او تبیین نماید. اینجاست که به رویش گیاهان پس از بارش باران اشاره می‌کند و می‌فرماید در رستاخیز همانند گیاهان سر از خاک برمی‌دارید و دوباره زنده می‌شوید.^{۴۷}

شباهت بی‌نظیر انسان و گیاه که در این آیات بر آن تأکید شده، برای آن است که انسان‌ها بتوانند با مشاهده زندگی گیاهان، زندگی خود را تبیین و تفسیر کنند. به دیگر سخن، اگر انسان بداند که زندگی او همانند زندگی گیاهان است، می‌تواند درک درستی از زندگی خود به دست آورد. زندگی گیاه در دنیا کوتاه و ناپایدار است و زندگی انسان نیز چنین است.

« وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُفِّتَاهُ لِبَأْدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^{۴۸}

و او خدایی است که بادهای را به بشارت باران رحمت خویش در پیش فرستد، تا چون بار ابرهای سنگین را بر دارند ما آنها را به شهر و دیاری که (از بی آبی) مرده است برانیم و بدان سبب باران فرو فرستیم و هرگونه ثمر و حاصل از آن بر آوریم، همین گونه مردگان را هم از خاک برانگیزیم، باشد که (بر احوال قیامت خود) متذکر گردید.

دیگر آنکه گیاه دوباره با بارانی از خاک برمی‌آید و انسان نیز در رستاخیز، چون گیاه از زیر خاک سر برمی‌آورد و سرسبزتر از گذشته می‌روید. خداوند به صراحت در آیاتی چند ارتباط تنگاتنگ زندگی بشر و گیاه در موضوع رستاخیز را تبیین کرده است قوانین طبیعی با همه پیچیدگی و نظمی که دارند، تحت اراده پروردگار است و نباید انسان را از مبدأ هستی غافل کند. «هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ» در فرمول‌های علمی و قوانین مادی غرق نشوید، هدایت و حرکت بادهای و نزول باران و رویش گیاهان، با تدبیر خداوند است -منکران معاد، برهانی ندارند و تنها استبعاد می‌کنند. بیان نمونه‌های حیات در طبیعت و جمع شدن مواد تشکیل

^{۴۷} موسوی، گیاهان و میوه‌ها در قرآن، ص ۵۶

^{۴۸} سوره اعراف (۷) آیه ۵۷

دهنده‌ی گلابی، سیب و انار که در خاک پخش هستند، نظیر جمع شدن ذرات مردگان است و این نمونه‌ها برای رفع آن استبعاد کافی است. «كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى» - مرگ، به معنای فنا و نیستی نیست، بلکه تغییر حالت است، همان گونه که زمین مرده، به معنای زمین معدوم و نابود شده نیست. سُنْفَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ ... فَأَخْرَجْنَا ... كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى^{۴۹}

. همین معنا نیز در آیه ۵ سوره ق بیان شده است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «رَزَقْنَا لِّلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ»: اینها همه برای روزی بندگان من است و با آن آب، سرزمین مرده‌ای را زنده گردانیدیم، رستاخیز نیز چنین است»

خداوند، فصل بهار را زمان رستاخیز زمین می‌داند و در آیاتی از جمله ۹ تا ۱۱ سوره ق، آن را همانند رستاخیز انسان می‌شمارد. انسان می‌بایست از رستاخیز زمین عبرت گیرد و همان طور که تن و خانه را از غبار ایام می‌زداید و به پالایش آرایش‌ها می‌پردازد، جان و روان خویش را نیز از غبار کینه‌ها و زشتی‌ها بپالاید و خود را به خوبی‌ها و زیبایی‌ها بیازاید. از این رو تزکیه به معنای پاک‌سازی و خودسازی، یک برنامه اصلی در برنامه هدایتی وحی معرفی شده است و قرآن خواهان خانه‌تکانی و تخلیه برای تحلیه است و از انسان می‌خواهد زشتی‌ها را از تن و روان بزدايد و دمی در این کار سستی نرزد. پس باید دل را به برخی از خصوصیات و فضایل اخلاقی آراست، زشتی‌ها و رذایل را از خانه دل بیرون راند، برخی از خصلت‌ها را اصلاح و به آب محبت و مودت آبیاری کرد.^{۵۰}

نتیجه گیری

این پژوهش تلاش نمود تا با ارائه نمونه‌هایی از این تصویرسازی‌های مربوط به تشبیه به گیاه گوشه‌ای از زیبایی و بلاغت بیان را در این منبع گران سنگ به نمایش بگذارد و به بررسی آثار تربیتی تشبیه به گیاه در قرآن بپردازد و به عنوان یک ابزار قوی و اثرگذار و ماندگار در روح و روان و تعلیم و تربیت انسانها قرار بگیرد در قرآن کریم جمعا چهل تشبیه به گیاه وجود دارد که پژوهش حاضر با موضوع گیاه و انسان، به بررسی دلایل و کارکرد برخی از این تشبیهات پرداخته است. تشبیه انسان به گیاه از جهات مختلف صورت یافته از همان بدو خلقت و آفرینش انسان، رشد و زندگی انسان به گیاه صورت گرفته علاوه بر زندگی

^{۴۹} قرآنی، ج ۳ ص ۸۵

^{۵۰} موسوی، گیاهان و میوه‌ها در قرآن، ص ۵۹

مادی تشبیه انسان به گیاه از زندگی معنوی انسان نیز به گیاه تشبیه نموده از جمله؛ تشبیه رسول و اصحاب او به خوشه گندم، تشبیه انفاق مؤمن به باغ، تشبیه انفاق رباکار به باغ آتش گرفته - تشبیه کافران معذب به ریشه های نخل می باشد از دست آوردهای این پژوهش می توان به موارد ساده نگرفتن مثال های قرآن به علت داشتن زمینه تفکر آنها، لزوم سه اصل تبیین، تمثیل و نتیجه گیری در تعلیم و تربیت، و استفاده از امور محسوس و قابل درک برای بشر، جهت تبیین معارف عالی، به عنوان یکی از روشهای هدایتی قرآن اشاره کرد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بیروت. الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۴ هـ
- حبنکه الميدانی، عبدالرحمن، مشعل های فروزان در شناخت یزدان، مترجم، محمد سلیمانی، چاپ اول، تهران: ناشر احسان ۱۳۹۲
- حطیط، حسن ، الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، بیروت: دار و مکتبه الهلال. چاپ اول، ۱۰۵ م
- دراز، محمد عبدالله ؛ النبأ العظیم نظرات جدیدة ،فی القرآن الکویت : ،دار القلم ط الثانية ۱۳۹۰ هـ
- دائرة المعارف قرآن کریم، جلد ۷، صفحه ۵۵۸
- دشتی، سید محمود «تشبیه در قرآن :از اسلوبهای بیانی و بلاغی قرآن با کاربردی گسترده» شریه دائرة المعارف قرآن، شماره نشریه جلد ۷، ۱۳۸۸

- رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، چاپ اول، تهران ناشر
مبین ۱۳۸۱،

- زارع خورمیزی، محمد علی «بررسی تربیتی تشبیهات قرآنی با محوریت گیاه و
انسان» هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و
مشاوره ایران ۱۴۰۱

- قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.ق.

ج ۳-----

ج ۹-----

ج ۱۰-----

- طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم
، ۱۴۱۷.ق.

ج ۱۳-----

ج ۱۷-----

ج ۲۰-----

ج ۲۸-----

- مکارم شیرازی، ناصر، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱ تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶ش

ج ۳-----

ج ۱۰-----

ج ۱۳-----

ج ۱۸-----

ج ۳۵-----

هاشمی، احمد، **جواهر البلاغه**، انتشاره حوزه علمیه قم چاپ هشتم، ۱۳۹۵